ترجمه فارسي



كتاب الحقوق

ملتقطا من احياء العلوم

للامام حجة الاسلام ابو حامد محمد الغزالي

رحمة الله عليه



مطبوعه انستيتيوت پريس عليگده

سنه ۱۹۰۸ ع

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد حمد و ثنائے خدائے تعالی و درود سلام بر نبی مجتبی محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم *

كتاب الحقوق

بدان که انسان یاتنها بسر خواهد برد — یا بادیگر کسے — و چون زندگی انسان بغیر اینکه با ابنائے جنس خویش معاشرت دارد متعذر است ضرور افتاد که آداب و آئین معاشرت را بیاموزد — هر آنکه با او صحبت داشته آید صحبت ورا ادبے است — و این ادب باندازه حق اوست و حق او بقدر آن تعلق است که این معاشرت و صحبت را سبب گشته — و رابطه یا طبعی خواهد بود چنانکه قرابت است و این خاص ترین رابطه ها است — و چنانکه برادری اسلام است واین ازانها عام تر است — و اگر طبعی نیست پس یا همسائگی خواهد بود — یا صحبت و ملاقات — چنانکه در سفر و مکتب — و درس اتفاق افتد — یا دوستی خواهد بود و این تا مرتبه برادری ترقی میکند — و هر یک ازین رابطه ها را درجهاهستند — که می توان دانست آنرا انسان — اگر در خویش و دران — رابطه ها غور کند که معاشرت و صحبت راباعث گشته اند *

حقوق المسلم

از جمله حقوق مسلم آنست که دوست داری برائے مسلمانان انچه برائے خویش دوست داری و نه پسندی برائے ایشان انچه برائے خویش نه پسندی — نعمان بن بشیر گفته که من از رسول خدا صلی الله علیه وسلم شنیدم — فرمود که مثال مومنان در محبت داشتن باهم — ورحم کردن یکی بر دیگرے — مثال بدن است که چون عضوے ازو آزار یابد دردیگر تمام اعضا حرارت و بیخوابی پدید آرد — و ابوموسی ازان جناب صلی الله

علیه وسلم روایت کرده که فرمود مومن برائے مومن چون عمارت است
که حصه ازو حصه دیگر را استواري می بخشد ●

واز جمله حقوق آن است که کسی را از مسلمانان بگفتار یا بکردار
آزار ندهد - مردے گفت اے رسول خدا اسلام چیست — فرمود اینکه
دل تو نیازارد بخدا — و مسلمانان از زبان و دست تو ایمن باشند -
و از جمله حقوق آنست که پیش هر مسلمان فروتني کند و برو برتري
نگیرد زیرا که خدا بناز خرامنده و فخر کننده را دوست ندارد - فرمود
رسول خدا صلی الله علیه وسلم — خدا بمن وحي فرستاده است که شما
فروتني کنید تا آنکه کسی فخر نیارد کرد برکسی ●

و از جمله حقوق آنکه — بد گوئي یکی بردیگری نشنود — وسخنی
که از یکی بشنود بدیگری نرساند فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم -
غماز درجنت داخل نخواهد شد - و خلیل بن احمد گفته که هرآن کس
که پیش تو غمازي خواهد کرد از تو هم غمازي خواهد برد — و آنکه خبر
دیگرے پیش تو خواهد رساند خبر تو هم پیش دیگرے خواهد برد ●

و از جمله حقوق آنکه — چون بر کسی که ازو تعارف دارد بخشم
آید زیاده از سه روز جدائي نگیرد — ابو ایوب انصاري گفت — فرمود
رسول خدا صلی الله علیه وسلم — حلال نیست مسلمان را که بیش از
سه روز با برادر خویش (برادري اسلام مراد است) ترک تعلق کرده
باشد که چون هر دو وقتے برخورند این ازو رو گرداند و او ازین — وازین
هردو آن را فضیلت است که خود آغاز بسلام کند ●

و از جمله حقوق آنکه — نیکي کند باهر کسیکه تواند کرد - آن
مقدار که در قدرت او باشد - فرق نکند درعزیزو بیگانه - و علي بن الحسین
از پدر خود و اوازجد خود رضي الله عنهم روایت کرده که فرمود رسول خدا
صلی الله علیه وسلم — سردانش بعد از دین محبت داشتن است
بامردمان - و نیکي کردن است بهر نیک و بد — ابوهریرة گفته — که
رسول خدا را عادت آن بود که چون کسی دست آنجناب میگرفت (بطور
مصافحه) تا آنکه خود آن شخص نگذارد - آنجناب دست از دست
او بر نگرفتی — وزانوی آنجناب وزانوے آنجناب از زانوی همنشین پیش

برآمده دیده نشدے — و کسی نبود که بآن جناب سخن گفتن خواهد مگر آنکه آنجناب روی باو کردی - و باز ازو رو نگردانیدے تاآنکه او از سخن فارغ نشدے — و از جمله حقوق آں است - که ہر کسی بےاذن او داخل نشود بلکه باید که سه بار اجازت طلبد و اگر او اجازت نداد باز گردد *

و از آنجمله آنکه — باهر کسی بخلق پسندیده پیش آید - و به روش او با او کار کند - زیراکه اگو خواست که باجاهل بطریق اهل علم ملاقات کند - وبا ناخوانده محض بطور فقیهه - و با کردن محض بطریق فصاحت - او را تکلیف دهد و خود هم در مشقت افتد *

و ازاں جمله آنکه - بزرگاں را تعظیم کند - و باکودکاں مهربانی نماید - جابر گفته که فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم - از ما نیست آنکه بزرگان را عزت نکرد - و برخورداں رحم نیاورد - رسول خدا صلی الله علیه وسلم چوں از سفر تشریف آوردے - کودکاں به آنجناب می پیوستند - پس برایشاں می ایستادے - و می فرمود پس سوار کرده می شدند پیش آں حضرت و در پس پشت آں حضرت و اصحاب خویش را حکم می فرمود که ازیشاں بعضی را باخود سوار کنید - و کودکاں بعد ازیں باخود ها مفاخرت کردندے - یکے ازیشاں بادیگرے میگفت که رسول خدا صلی الله علیه وسلم مرا درپیش خود نشانده بود و ترا بر پس پشت - و یکے از انها میگفت که اصحاب خویش امر فرمود که ترا باخود ها سوار کنند *

و ازاں جمله آں که - با جمله مردمان خوش مزاج - خنده رو — دوست باشد — فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم — می دانید که دوزخ بر کدام کس حرام کرده شده است - گفتند خدا و پیغمبر او دانا تراند - فرمود - بر نرم دل - بے تکلف سهل گذار *

و ازاں جمله ایں که — وعده نکند بامسلمانے مگر آنکه آنرا وفا کند — فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم بعض وعده عطا است و بعضي وعده قرض است *

و ازاں جمله آنکه - توقیر آنکس زیاده کند که صورت و لباس او بر بلندي پایۀ او شهادت دهد - و می باید که مردمان را بر رتبه هاے ایشاں دارد - روایت کرده اند ازاں جناب صلی الله علیه وسلم — که در خانۀ از

خانهاے خود تشریف ارزاني داشت - پس دوستان و یاران آں جناب در آمدند - و جریر بن عبدالله البجلي رسید - و چوں جاے نیافت بر دروازہ به نشست پس رسول خدا صلی الله علیه وسلم — چادر خود پیچید و سوے او انداخت - و او را فرمود که بریں به نشیں جریر چادر را گرفت و بر چهرۂ خود نهاد و او را بوسیدن گرفت و گریه نمود - باز به پیچید او را - و بسوے نبي صلی الله علیه وسلم بینداخت — و عرض داشت که آں نیستم که بر جامۂ تو به نشینم - خدا او را بزرگ دارد — چنانچه مرا بزرگي دادي - پس رسول خدا صلی الله علیه وسلم چپ و راست نظر کرد - و فرمود که چوں نزد شما بزرگ قومی دارید - او را اعزاز کنید - و هم چنیں هر آں که برو کسی† را حقی است باید که او را بزرگ دارد ●

و ازیں جمله آں که — درمیان مسلمان اصلاح و آشتي پیدا کند تا بمقدور خویش — فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم - آیا نه خبر دهم شما را به چیزے که از نماز روزہ و خیرات پایۂ او بیش است گفتند آرے — فرمود اصلاح رنجش و کدورت که ما بین کسی باشد - و فساد مابین — همان برباد کنندہ است - و فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم - بهترین صدقه ها اصلاح رنجش و کدورت است مابین خودها - و از جمله حقوق آں که - عیب جمله مسلمانان فرو پوشد فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم - آں که بر مسلمانے پردہ پوشید - خدا برو در دنیا و آخرت پردہ بپوشد - نبي صلی الله علیه وسلم با معاویه فرمود که تو اگر در عیب جوئی مسلمانان خواهي افتاد — ایشاں را خراب خواهي کرد — یا قریب خواهد بود که ایشاں را خراب کني — و فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم - اے آں کسانیکه بزبان خویش ایمان آوردہ اید و ایمان در دل شاں فرو نیامدہ — مردمان را عیب مکنید و در جستجوے عیوب ایشاں مباشید زیراکه هر آنکس که عیب برادر مسلم خود خواهد جست — خدا درپے جستن عیب او خواهد بود و آنکه خدا جستجوئے عیب او خواهد کرد — او را رسوا خواهد گردانید — اگرچه درمیان خانه خودش بودہ باشد ●

---

† مثلاً پدر و استاد و محسن و در عمر یا قرابت کلاں تر -

و ازانجمله آنکه – با هر مسلمان آغاز بسلام کند – پیش از گفتگو– و وقت سلام با او مصافحه کند – نبي صلی الله علیه وسلم فرمود — انکه پیش از سلام بگفتگو آغاز کرد — پس جواب او ندهید – تا آنکه بسلام ابتدا کند – و فرمود علیه السلام — سوار بر پیاده رونده سلام کند — و رونده برنشسته – و قلیل بر کثیر – و خود بر بزرگ *

و ازاں جمله آں که آبروے برادر مسلم خویش نگاه دارد – و نفس و مال او را از ظالم غیر او حفاظت کند تا آں که بتواند — و ازو باز دارد وجدال کند از طرف او – و اعانت کند او را – زیراکه ایں همه برو واجب است از روے برادري اسلام *

و از انس رضی الله عنه روایت است که نبی صلی الله علیه وسلم فرمود که آنکه پیش او ذکر برادر مسلماني کرده آید – و او بر اعانت او قدرت داشته باشد و نکند – خدا در عوض ایں در دنیا و آخرت او را مواخذه خواهد کرد – و ازاں جمله جواب دادن است عطسه زننده را – فرمود علیه السلام که عطسه زننده گوید – الحمد لله علی کل حال (یعني در هرحال خدا را ستایش است) و جواب دهنده گوید – یر حمکم الله – (یعني خدا بر شما رحم کند) باز عطسه زننده جواب دهد و گوید — یهدیکم الله ویصلح بالکم (یعني هدایت کند خدا شما را و دل شما باصلاح آرد و ازاں جمله آں که — از صحبت و اختلاط داشتن با دولتمندان کناره ورزد — و با مسکیناں بیامیزد – و با یتیماں نیکي کند — نبي صلی الله علیه وسلم را معمول بود که فرمودے — اے خدا مرا زندگي ده در مسکیني و مرگ ده در مسکیني – و در جمله مسکیناں مرا محشور کن *

و ازاں جمله پند دادن است هر مسلمان را و کوشش کردن در خوش دل گشتن او – فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم – مومن براے مومناں هماں چیز دوست دارد که براے نفس خویش دوست دارد — وفرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم از شما یکے مومن نمي شود تا آں که دوست ندارد براے برادر خویش آنچه پسندد براے نفس خویش *

و ازاں جمله آں که بیمار مسلماناں را عیادت کند – زیراکه شناسائي و اسلام بس هستند در ثابت کردن ایں حق – و در یافتن فضیلت او –

وعیادت کننده را ادب این است که اندکے بہ نشیند و سوال کم کند — و اظهار غمخواري کند — و بسلامتي او دعا کند — و از جاهاے نهاني چشم بپوشد — و ادب او در وقت اذن طلب کردن آنست که مقابل دروازه نیاید و در را بہ آهستگي کوبد و چوں پرسیده شود که کیستي نگوید منم بلکه نام خود بگوید و اگر ضرورت آواز دادن باشد نگوید اے غلام - البته باید که خدارا حمد و تسبیح گوید — و فرمود صلی الله علیه وسلم — عیادت مریض آنست که بر پیشاني یا دست او دست نهد و ازو بپرسد که چگونه است — و کامل تحیات شما مصافحه کردن است ٭

و ازاں جمله آں است که - همراه جنازهٔ شاں رود — فرمود صلی الله علیه وسلم — آنکه عقب جنازهٔ رفت او را یک قیراط ثواب است و اگر ایستاد تا آنکه دفن کرده شد دو قیراط — و ادب همراه رفتن جنازه لازم گرفتن خشوع است و سلام نکردن — و مرگ را خیال بستن — و اندیشه کردن در مرگ و مهیا بودن بهر او ٭

حقوق الجوار

بدانکه همسایگي را حقی است علاوه آں حق که اخوت اسلام تقاضا می کند — پس مسلمان همسایه جمله آں حقوق را مستحق است که هر مسلمان مستحق اوست — و چیزے ازیں زیاده را هم مستحق است — زیرا که نبي صلی الله علیه و سلم فرموده همسایگان سه نوع اند — همسایه است که او را همیں یک حق است — و همسایه که او را دو حق است — و همسایهٔ که او را سه حق است — پس همسایهٔ که او را سه حق است — مسلمان همسایه صاحب قرابت است — پس او را حق همسایگي و حق اسلام و حق قرابت است و آنکه او را دو حق است مسلمان همسایه است که او را حق همسایگي و حق اسلام است — و آنکه او را تنها یک حق است همسایه مشرک است — پس بنگر که رسول خدا صلی الله علیه وسلم مشرک را هم بسبب همسایگي حقی ثابت فرمود — وفرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم نیک دار همسائگي آں را که باتو همسایه است تا مسلم باشي — و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم — جبریل همیشه در حق همسایه همایت کردے — تا آنکه گمان کردم که همسایه را وارث

من خواهد کرد — و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم — آنکه ایمان داشته باشد به خدا و روز قیامت پس باید که همسایهٔ خویش را بزرگ دارد و فرمود صلی الله علیه و سلم — بندهٔ صاحب ایمان نه می شود — تا آنکه همسایهٔ خویش را از بلاها نگاه دارد — و فرمود رسول خدا صلی الله علیه‌وسلم — چون سگ همسایه را بزدي پس همسایه را بیازردي — وهشام گفت که حسن درین مضایقه نمي انگاشت که همسایهٔ یهودي یا نصراني را از گوشت قرباني خودش بخوراني *

حقوق الاقارب والرحم

فرمود رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم — الله تعالی میگوید که من رحمن هستم — و از نام خویش براے رحم نامی مشتق کرده ام — پس آنکه باو پیوند داشت باو پیوند دارم — و آنکه او را برید ازو بریدم و با رسول خدا صلی الله علیه وسلم گفته شد که کدام کس افضل تر است — فرمود — پرهیز گار ترین ایشان براے خدا — و پیوند دارنده تر برحم — و ابو ذر گفته که مرا محبوب من علیه السلام وصیت فرمود به صلهٔ رحم اگرچه او رو گردان شده باشد و امر فرمود مرا باینکه حق گویم اگرچه تلخ باشد *

و اسماء دختر ابو بکر رضي‌الله‌عنه گفته که مادر من پیش من آمد — پس گفتم اے رسول خدا صلی‌الله علیه و سلم — مادر من آمده است و او هنوز مشرک است آیا نیکي کنم باو — فرمود آرے — و در روایت دیگر است که آیا عطا کنم او را — فرمود آرے — نیکي کن با او — و فرمود علیه السلام — صدقه کردن بر مسکینان یک صدقه ست و بر قرابت دار دو صدقه است *

حقوق الوالد و الولد

فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم با پدر و مادر نیکي کردن افضل تر است از نماز — و صدقه — و روزه — و حج وعمره و جهاد در راه خدا *

و فرمود رسول خداصلی الله علیه و سلم — آنکه صبح کرد بحالیکه پدر و مادر را خوشنود دارنده است — دو دروازهٔ جنت برو کشاده شوند و هرآنکه

همچنین شام کرد پس همچنین وقت شام دو دروازه واشوند - و اگر از والدین یک موجود باشد پس یک درواز اگرچه والدین برو ظلم کرده باشند — اگرچه ظلم کرده باشند - اگرچه ظلم کرده باشند - و آنکه صبح کرد بحالیکه والدین را ناراض کننده است کشاده شود برو دو دروازه از دوزخ - و اگر هم چنین شام کرد — پس هم چنین بوقت شام دو دروازه از دوزخ برو کشایند - و اگر از والدین یکی موجود باشد پس یک دروازه اگرچه والدین برو ظلم کرده باشند - اگرچه ظلم کرده باشند اگرچه ظلم کرده باشند و فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم بوے جنت در یافته میشود از مسافت پنج صد ساله راه ونخواهد دریافت بوے او آنکه از والدین یاذو رحم خویش قطع تعلق کرده است *

گفته اند که چون یعقوب علیه السلام بر یوسف علیه السلام داخل شدند به تعظیم او بر نخاست پس وحي فرستاد خدا بسوے یوسف علیه السلام — آیا کسر شان می پنداري ازین که براے پدر خویش بر خیزي قسم می خورم بعزت و جلال خویش که از پشت تو هیچ نبي بر نیارم *

و مالک ابن ربیعه گفته که ما در خدمت رسول خدا حاضر بودیم که درین اثنا مردے از قبیلهٔ بني سلمه پیش آن حضرت رسید و عرض داشت که آیا چیزے از نیکي کردن با پدر و مادر باقي مانده است که من بعد مرگ بایشان کنم - فرمود - رحمت خواستن بر ایشان و استغفار گفتن براے شان - و وفا نمودن عهد شان - و بزرگ داشتن دوستان ایشان را - و صله رحم بآن کسے که جز بایشان بصلهٔ رحم نرسد *

و فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم - از عمده ترین نیکیها کردن آنست که نیکي کند مرد با دوستان پدر خویش بعد آنکه پدر نباشد *

و فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم — مادر را بر پسر دوتا حق است *

و فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم - دعاے مادر زود تر قبول می شود - گفتند اے رسول خدا - این را سبب چیست — فرمود — مادر تعلق رسنم قریب تر است از پدر و دعاے رحم بے اثر نرود - و ازان جناب کسے پرسید و گفت که اے رسول خدا - باکه نیکي کنم - فرمود با

والدین خویش - گفت والدین ندارم - فرمود - با پسر نیکی کن که چنانکه پدر را بر تو حق است - پسر را هم حق است بر تو و فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم - از جمله حقوق پسر بر پدر آنست که تربیت او نیکو کند و نام او پسندیده نهد *

اقرع ابن حابس دید که رسول خدا صلی الله علیه وسلم - فرزند خویش حسن را بوسه همے دهد پس اقرع گفت که مرا ده فرزندان هستند — هیچ یکے را از ایشان بوسه نداده ام - فرمود علیه السلام آنکه رحم نمیکند - رحم نمے کرده شود *

ابو سعید خدری گفت - مردے از یمن در خدمت رسول خدا صلی الله علیه وسلم هجرت کرد و به جهاد رفتن خواست — رسول خدا علیه السلام فرمود — آیا در یمن پدر و مادر تو هستند - گفت آرے — فرمود که آیا ترا اذن داده اند - گفت نه - فرمود علیه السلام — پس باز گرد سوے پدر و مادر خویش — و ازیشان اجازت بطلب — پس اگر اجازت دهند به جهاد رو - ورنه خدمت ایشان کن چنداں که می توانی - که این کار پس از توحید بهترین عمل هاست - که باو با خدائے خویش پیوندی *

مردے دیگر پیش آں جناب آمد که در باب جهاد بآں جناب مشورت کند - فرمود - آیا ترا مادرے هست گفت آرے - فرمود - پس خدمت او لازم گیر که جنت زیر قدم اوست - و مردے دیگر بخدمت آں جناب آمد و گفت — نیامدم پیش تو تا آں که بگریه آوردم پدر ومادر خود را - فرمود باز گرد سوئے ایشاں و ایشاں را بخنده آور چنانکه بگریه آوردۂ — و فرمود صلی الله علیه وسلم برادر کلاں را بر برادران خورد هماں حق است که پدر را بر پسر خویش *

خـــــــــاتمه

المعاشرة مع اصناف الخلق

دریں باب ذکر میکنم از آداب معاشرت و همنشینی با مردمان هر گروه که انتخاب کرده ام از کلام بعض حکماء — اگر حسن معاشرت خواهي — پس با دوست و دشمن خنده رو باش - بغیر آنکه ایشان را تحقیر کنی یا از ایشان در دل هیبت آری - باتوقیر باش بغیر از غرور - و تواضع کن بغیر از ذلت - و در جمیع کارهاے خویش میانه رو باش که هر دوطرف وسط امور مذموم است — به شانهاے خود بینندہ مباش - و به هر سو نگه مینداز — و بر امبوه مردمان ایستاده مشو — و اگر دراں جماعت به نشینی پس بر پاے منشیں — باید که از انگشت ها باهم پیچیدن — و با ریش و انگشتري خود بازي کردن و دنداں را خلال نمودن — و انگشت در بیني کردن و به بسیارے بزاق افگندن — و آب از بیني افشاندن — و مگس از روئے خود راندن — و خمیازه کشیدن — و بفاره روئے کشادن — پوش مردماں و در نماز پرهیز کني — و باید که مجلس تو بسکون باشد و گفتگوے تو مسلسل و پیوسته — و گوش دار بسوئے کلام پسندیده که کسے با تو گوید بغیر اینکه تعجب بسیار ظاهر کني و باز گفتن آں سخن ازو مطالب از افسانها و اراں سخنها که خنده آید خاموش باش — و از فرزند و کنیز و اشعار و تصنیف خویش و از جمله آں چیزها که بتو خاص باشند — سخن باعجاب مگوئي — و خویشتن را چوں زناں میاراے - و چوں غلاماں خوار مباش — و به سرمه کشیدن و بکثرت روغن مالیدن بسیار مدام مباش — و در طلب حاجتها الحاح مکن — و کسے را بر ظلم یاوري مکن و کسے را از زن و فرزندان خویش تا بدیگراں چه رسد بزرومال خود مطلع مکن — که اگر اندک خواهد بود در نظر ایشاں سبک خواهي شد — و اگر زیاده است هرگز با رضاے ایشاں نخواهي رسید — و ایشاں را خوف ده بغیر اینکه قهر کني — و با ایشاں نرمي کن بغیر آنکه ضعیف باشي — و چوں با کسے در بحث آئي — باوقار باش — و خود را از جهل نگاه دار — و از تعجیل به پرهیز — و در دلایل خود خوض نمائي — و از دو دست خویش بسیار اشاره مکن — و بسیار

مپوی بسوئے آنکه غضب قست — و بر زانو منشین — و سخن گو چوں غصهٔ تو فرو نشیند — و ازاں دوست که یار نعمت باشد بسیار به پرهیز — که او دشمن ترین دشمنان‌است — و مال را از آبرو عزیز تر مدار — و چوں در مجلس در آئي پس ادب این‌است که ابتدا به سلام کني و آنکه پوش نشسته است از سر او نه گذري — و هر کجا که جاے یابي به تواضع نزدیک تر باشد به نشیني — و آنکه نزدیک تو نشسته است برو سلام گوئي — و بر راه منشین و اگر به نشیني پس ادب او نگاه زیرین کردن است — و ستم زده را بفریاد رسیدن و ضعیف را یاوري نمودن — و گم شده را راه نمائي کردن و جواب سلام دادن و سائل را عطا نمودن — و حکم کردن به نیکي — و باز داشتن از ناباییست — و علاحده کردن جاے بزاق — و روئے قبله بزاق مینداز — و نه از جانب راست — البته باید که از جانب چپ و زیر قدم چپ بیندازي — و با عامیاں منشین و اگر نشستي پس ادب او این‌است که در سخن هاے شاں فرو نروي — و به ترهات ایشاں گوش نه نهي — و ازاں ناملائم حرفها که‌از ایشاں سرزند تغافل کني — و باوجوداحتیاج افتادن سوی ایشاں به ایشاں کم آمیزي — وزینهار که باعاقلي یا باناداني سخن بظرافت گوئي — زیرا که عاقل بر تو حسد خواهد برد ونا دان شوخ و خیره خواهد شد — چه ظرافت هیبت را پاره پاره میکند و آبرو مي‌ریزد — وحسد پیدا میکند — و حلاوت دوستي مي‌برد و دانشمندی دانشمند را عیب مي نهد — وجادل را جرات مي دهد — و بنظر عقلا از پایه مي‌اندازد — و ظرافت را پرهیزگاران مکروه دارند — و او دل را مرده میکند و از خدا تعالے دور مي‌اندازد — و غفلت پیدا مي آرد — و خواري راسبب میشود و ازو بر رازهاستم مي رود — و دلها مرده مي‌شوند و عیوب کثرت مي‌یابند و گناهها عیاں میگردند — و گفته اند که مزاح نمي‌آید مگر از سبکي عقل یا به بیهودگي — و آنکه درمجلس مزاح یا هرزه مبتلا شود — پس چوں برخیزد و در وقت برخاستن ذکر خدا کند — فرمود نبي‌صلی‌الله علیه وسلم

آنکه در مجلسے نشست و بسیار فضول گفت اگر پیش از برخاستن این دعا خواند سبحانک اللهم بحمدک اشهدان لااله‌الاانت استغفرک واتوب الیک(یعني به پاکیزگي یاد میکنم ترا اے خدا - وثنا میگویم — و گواهي میدهم که نیست معبود مگر تو - استغفار میکنم و رجوع می آرم بتو) هرچه ازو درین مجلس صادر گشته آمرزیده خواهد شد -

